

اسامی روزهای ماه

در

کیش هرزدینا



با آنکه در شماره‌های قبل نامه‌پشوتن درباره اسامی ماهها و روزهای باستانی که درین زرتشتیان امروزی متداول است اشاره ای نمودم و وعده کردم که بوقوع راجع بهریک مفصلا صحبت بدارم ، باز اغلب خوانندگان سؤالاتی از اینجانب مینمایند و توضیحاتی میخواهند ، بنابراین برآن شدم که خارج از برنامه‌ای که برای توضیح مطالب فوق‌الذکر در نامه پشوتن تنظیم شده است بنحو اختصار شرحی راجع باسامی ماهها و روزها و مقام هریک در کیش باستانی ایران برای اطلاع خوانندگان نامه پشوتن بنسکارم در ضمن از تکرار این نکته ناگزیرم که طبق برنامه مرتبی بتدریج راجع باسامی هر روز و هر ماه مفصلا سخن خواهد رفت .

در ایران باستان پس از آنکه فصول مختلفه سال تقریباً بصورت امروزی درآمد (رجوع شود بمقاله نوزده شماره اول نامه پشوتن) سال بدوازده ماه که هر کدام دارای اسامی مختلفی بودند تقسیم شد و آن همان است که امروز هم میان ایرانیان معمول و بنام ماههای سال شمس معروفست ، و هر ماه نیز بسی روز منقسم گشت و برای هر روز نامی مقرر گردید ، شش روز از این ایام بنام امشاسپندان و بیست و سه روز دیگر بنام ایزدان است امشاسپندان فرشتگان مقرب در گاه خدایند و مانند ایزدان قابل ستایش و نیایش میباشد . برای هر یک از این فرشتگان در کیش باستانی بیست و نیایش مخصوص موجود است . اولین روز هر ماه هم بنام اهورامزدا یا هورمزد نامیده شده است و گاه این نام بنام شش امشاسپند افزوده میشود و از مجموع آنها هفت امشاسپند پدید میآید

این سی روز بچهار قسمت میشود . در رأس قسمت اولی هورمزد و در رأس سه قسمت دیگر سه دی بشرح زیر قرار گرفته اند :

۱- هورمزد	۸- دی بآدر	۱۵- دی بهمر	۲۳- دی بدین
۲- بهمن	۹- آدر	۱۶- مهر	۲۴- دین
۳- اردیبهشت	۱۰- آبان	۱۷- سروش	۲۵- ارد
۴- شهریور	۱۱- خرداد	۱۸- رشن	۲۶- اشناد
۵- سپندارمزد	۱۲- ماه	۱۹- فروردین	۲۷- آسان
۶- خرداد	۱۳- تیر	۲۰- وزه‌رام	۲۸- زامیاد
۷- امرداد	۱۴- گوش	۲۱- رام	۲۹- ماتره‌سپند
		۲۲- باد	۳۰- انارام
روز ۷	روز ۷	روز ۸	روز ۸

چنانکه از این جدول برمیآید ماه در تقویم زرتشتیان بچهار قسمت میشود که دو قسمت از آنها هفت روز و دو قسمت دیگر هشت روزه است . دوازده روز از این سی روز با دوازده ماه سال شمس هم نامند و در هر ماهی چون اسم روز و ماه یکی شود زرتشتیان جشن میگیرند ولی اهمیت این جشنها یکسان نیست بعضی چون مهرگان و تیرگان (جشن آبریزان) بسیار مهمند و هنوز هم زرتشتیان آنها را معمول میدارند و برخی کم اهمیت ترند بطوریکه امروز حتی بین زرتشتیان نیز تقریباً متروک مانده اند .

موضوعی که از ذکر آن ناگزیرم این است که سال کامل شمس ۳۶۵ روز و کسری است در صورتیکه سال باستانی ، دوازده ماه سی روزه یعنی ۳۶۰ روز میشده . برای برابری ، پنج روز اضافه آخر سال شمس را به

پنج گاتهای اشوزرتشت نامزد کردند و سال ۳۶۵ روزه درست نمودند آن پنج گاتها از اینقرارند (اهنود گات Ahnavad اشود گات Oshtavad سپتتمد گات Sepentamad و هوخشر گات Vohukhashatre وهشتواشت گات Veheshtuesht) ولی اینموضوع نیز کفایت نمیکرد زیرا سال ۳۶۵ روز و کسری بود یعنی برای هر چهار سال یکروز زیاد میآمد، در زمان خیای باستان در هر چهار سال یکروز بنام آورداد روز (Avardad) اضافه میکردند و بعدها در نتیجه اشکالی که از این طریق در اجرای مراسم دینی پیش میامد پس از هر صد و بیست سال یک ماه سی روزه بردوازده ماه اضافه مینمودند و بدین ترتیب کیسه را بر قرار میداشتند. در هر حال زرتشتیان در پایان نماز روزانه خود که در پنجگاہ (هاون Havan بامدادان، ریت ون Rapitvan نيمروز، ازیرن Oziran پسین، ایوه سریترم Aivasaritam شب اشهن Oshaban - سحرگاهان) میسرایند قطعه ای پهلوی که خیلی شبیه بفارسی کنونی است برای خشنودی اهورامزدا و امشاسپندان ششگانه و سایر ایزدان میخوانند در این قطعه از خدا میخواهند که عبادتشان بدرگاه باریتعالی پذیرفته شود و استعدا دارند امشاسپندان و ایزدان که هر کدام نابنده یکی از صفات اخلاقی انسانی و موکل نعم زندگانی مادی هستند از آنها خشنود باشند در این قسمت امشاسپندان و ایزدانی که همکاری باهم اسم برده میشوند. قسمتی از قطعه مزبور بشرح زیر است:

بر ساد و پیدیراد و بنیوشاد دادار اورمزد، پسندیزدان باد، هیارۀ وهان (۱) رساد
بخشود مینوی «دادار اورمزد» را بومند و خره مند

بخشود مینوی «اورمزد» او اگاهسه «دی» (ویسفی شام)

بخشود مینوی وهمن (۲) و ماه و گش و رام (در این چهار روز زرتشتیان گوشت میخورند و ذبح حرام است)

بخشود مینوی اردیبهشت بلند و آدر و سروش و ورهرام (عزیزترین فرشتگان کیش باستانی هستند)

بخشود مینوی شهر یور و خیر و بهر و آسمان و انارام (انفر روشن گاه خدا)

بخشود مینوی سپندارمزد و ابان و دین و ارد و ماثره سپند

بخشود مینوی خرداد و تشتر و باد و فروردین

بخشود مینوی امرداد و رشن و اشتاد و زامیاد

بخشود مینوی گاه هاون، ریتون، ازیرن، ایوه سریترم، اشهن گاه (اسامی پنج گاهی که

مواقع مختلف نماز پنجگانه اند) پروکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
بخشود مینوی گاه گاتهایو، اهنود، اشود، سپتتمد، و هوخشر، وهشتواشت (اسامی پنج

گاتهای اشوزرتشت)

بخشود مینوی هوم ایزد، برز ایزد، نیریوسنک ایزد همان و وهان و آفرین ایزد و بالاخره قطعه مزبور چنین پایان مییابد:

بخشود مینوی امروز روز (فلان) و ماه خجسته (فلان) و گاه (فلان) بر ساد، پسند و پذیرفته دادار اورمزد باد ایدون باد ایدون تراج باد. اشم وهو (۳).....

اسامی روزها تا کنون بدون جزئی تغییری باقی مانده و همیشه اساس گاه شماری زرتشتیان بوده است. پس از حمله اعراب نیز در میان مسلمانان ایرانی کم و بیش رواج داشته و در غالب کتب و تقویم و در زیجها و در بعضی از تواریخ ذکر شده و حتی شعرا نیز اشعاری در باره این روزها سروده اند و در اینجا من باب نمونه برای هر یک از این ایسام دو بیت از مسعود سعد سلمان شاعر بزرگ ایرانی نقل می نمایم.

۱- وهان- لیکن ۲- وهمن- بهمن ۳- اشم وهو- سرود معروفست که بعداً مفصلاً از آن سخن خواهیم راند

۱ - اورمزد

امروز اورمزد است ای یار میکسار
برخیز و تازگی کن و آن جام باده آر
ای اورمزد روی بده روز اورمزد
آمی که شادمان کندم اورمزد وار

۲ - وهمن روز

بهمن (۱) روز ای صنم دلستان
بنشین با عاشق در بوستان
شاد نشینیم کزین مملکت
خلق جهان هست همه شادمان

۳ - اردیبهشت روز

اردیبهشت روز است ایماه دلستان
امروز چون بهشت برین است بوستان
زان باده که خرم از او گشت عیش عمر
زان باده که گردد از او تازه طبع و جان

۴ - شهریور روز

ای تنت را ز نیکوئی زیور
شهره روزیست روز شهریور
می شناس ای نگار جانرا قوت
گاه می ده مرا و گه می خور

۵ - سپندارمزد روز

سپندارمزد روز خیز ای نگار
سپند آر بی آنکه بی می نشد
دلی شادمان و تنی شاد خوار
بگرداند ایزد از این روزگار

۶ - خرداد روز

خرداد روز داد نباشد که بامداد
از لپو و خر می نستانی ز باده داد
از باده جوی شادی و از باده باش خوش
بی باده این جهان صنما باد گیر باد

۷ - امرداد روز

روز امرداد (۲) مژده داد بدان
عدل بارید بر جهان میکسار
که جهان شد بطبع باز جوان
دولت و ملک شهریار جهان

۸ - دی بآذر روز

روز دی است خیز و یار ای نگار می
ای ترک می یار که ترکی گرفت دی
می ده برطل و جام که در بزم خرو می
بنشست شاه شاد ملک ارسلان به می

۹ - آذر روز

ای خرامنده برو کاتبان زمان و مطالعات روز آذر می
شادمان مرا بی که جهان
شادمان شد بجز دولت شاه
جو آذر خواه

۱۰ - آبان روز

آبان روز است روز آبان
بنشین نشاط و دوستان را
خرم گردان به آب رز جان
ای دوست بجز و ناز نشان

۱۱ - خور روز (خیر روز)

روز خور ای بدورخ همچو خور
تافت خور از چرخ فلک باده خور
باده خور و نیز مرا باده ده
خوبی احوال زمانه نگر

۱۲ - ماه روز

ماه روز ای بروی خوب چو ماه
گشت روشن چو ماه بزم که گشت
باده لعل مشکبوی بخواه
نام این روز ماه و روی تو ماه

۱ اصل کلمه بطوریکه در بین زرتشتیان امروز نیز متداول است وهمن یا وهومن است و تبد

«و» به «ب» طبق فاعده کلی است

۲ - مرداد غلط و اصل کلمه امرداد بمعنی بیمرگ و جاویدان است



۱۳ - تیر روز

ای نکار تیر بالا روز تیر
عاشقی در پرده عاشق گوی

۱۴ - گوش روز

گوش روز ای نکار مشکین خال
من ز بهر سماع خواهم گوش

۱۵ - دی به مهر روز

ای مرا همچو جان و از جان به
دی به مهر است مهربانی کن

۱۶ - مهر روز

روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان
مهربانی کن بجهن مهرگان و روز مهر

۱۷ - سروش روز

روز سروش است که گوید سروش
سبز شد از سبزه همه بوستان

۱۸ - رشن (روز)

روز رشن است ای نکار دلربای
تا توانی هیچ یکساعت مباش

۱۹ - فروردین روز

فروردینست و روز فروردین
ای دو لب تو چومی، مرا می ده

۲۰ - وره رام روز

ای روی تو بخوبی افزون ز مهر و ماه
انده اینجهان مخور ای ماه شاد باش

۲۱ - رام روز

رام روز است بغت و دولت رام
زان قنینه یکی قدح پر کن

۲۲ - باد روز

چون باد روز، روز نشاط آمدای نکار
باده است شادی دل بیوسته باده خور

۲۳ - دی بدین روز

دی بدین است و دین مسرد خرد
باز دارد خرد ترا زنبید

۲۴ - دین روز

دین روز ای روی تو آفت دین
بامی و می خوردن دین را چکار

۱- اصل کلمه بطوریکه درین زرتشتیان امروزی نیز متداول است وره رام و چون از ایزدان بسیار عزیز کیش باستانی است اغلب «شاه وره رام ایزد» گفته میشود

۲۵ - ارد روز

ارد روز است فرخ و میمون
ای دلارای یار کلکون رخ
با همه لهو و خرمی مقرون
خیز و پیش آر باده کلکون

۲۶ - اشتاد روز

اشتاد روز تازه زگل بوستان
در بوستان نشین می لعل نوش
اید وست می سنان زکف بوستان
زیرا که سبز گشت همه بوستان

۲۷ - آسمان روز

آسمان روز ای چو ماه آسمان
جان زباده شاد کن زیرا که عقل
باده نوش و دار دلرا شاد مان
باده را بیند همی شادی جان

۲۸ - زامیاد روز

چون روز زامیاد نیاری زمی تو یاد
خاصه باد شاه ملک ارسلان که چرخ
زیرا که خوشتر آید می روز زامیاد
هرگز نداشتست چو او هیچ شاه یاد

۲۹ - مائتره سپند روز

ای دلا رام روز ما را سپند
خرم می در جهان خرم بین
دست می جام لعل می میسند
شادمان می کن و بناز بخند

۳۰ - انارام روز

انیران ز پیران شیدم چنان
بیار ای نکار آن می مشکبوی
که می خورد باید برطل کران
کزو نافه مشک یابی دهان

هر روضی که از عشق تب میکند

«استراتونیک» دختری بود بسیار زیبا و خوش سیما.
سلو کوس (پادشاه ایران و یونان در زمان سلوکوس) شفته و دلباخته او شد و با وی
میوند ز ناشومی بست.
دیری نگذشت که پسر سلو کوس را مرضی سخت روی آورد. پدر از کسالت فرزند
دلبندان و هتاک بود و پزشکان و حکیمان مجرب و کار آزموده به بالین وی خوانند ولی جدوجهد
آنان و دوا و درمان فایده ای بخشید و پسر روز بروز رنجورتر گردید.
روزی یکی از پزشکان دنیا دیده و تجربه اندوخته را این عقیده حاصل شد که ناخوشی
روح، تن جوان را اینگونه ناتوان ساخته است پس در مقام آزمایش بر آمد باین طریق که
نبض جوان را گرفت و تمام دختران و زنان کوی و برزن را با صدای بلند نام برد چون نام
«استرا تونیک» را بر زبان آورد سیمای جوان زرد شد و ضربان نبض او شدت یافت نور
امیدی بقلب پزشک تایید و یقین کرد که پسر را عشق زن پدر از پای در آورده است.
سلو کوس چون از این ماجرا آگاه شد در دریای تفکر و تعجب فرو رفت ولی
ولی سر انجام مهر پدیری بر عشق زن غالب آمد و زن خود را با آنکه آبتن بود به فرزند سپرد.
گو اینکه سلو کوس یونانی بود ولی تعجب در اینجاست که ایرانیان چرا بر این عمل
اعتراض نکردند